

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکست پروژه‌ی تمدن غربی

(ترجمه)

فساد از امراضی بوده که امت‌ها و مردم را در تنگنا قرار داده است. فساد تنها علت مرکزی می‌باشد که جوامع را به نابودی کشانده است. فساد شامل فساد عقیده، فساد اقتصادی، فساد آموزشی، فساد مطبوعاتی، فساد اخلاقی و فساد امنیتی همه می‌شود. کلمه‌ی فساد در قرآن کریم دارای معانی زیادی است که از جمله المعصیه، الهلاک، الخراب، المنکر، التدمیر و غیره آمده است. از جمله ضررهای فساد و مفسدین نابودی جوامع و نابودی امت‌ها است.

از جمله فسادی که اکنون در دنیا انتشار یافته و ممکن است امت‌ها را به نابودی سوق دهد، آنچه است که در ذیل بیان می‌شود.

ظلم: در قرآن کریم آیات زیادی وارد شده که ظلم را یکی از اسباب نابودی امت‌ها بیان می‌کند، از جمله قول او تعالی است که می‌فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا﴾ [کهف: ۵۹] ترجمه: آن قریه‌ها را زمانی که ستم کردند، نابود کردیم. ﴿و فرموده‌ی او تعالی: ﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۱] ترجمه: چه بسا قریه‌ی ستمگری را درهم شکستیم و بعد از آن قوم دیگری را ایجاد کردیم. ﴿ و آیات دیگری که ظلم را سبب نابودی امتیان گذشته ذکر می‌کند که نابود شدند.

علاوه بر ظلم، ارتکاب جرم و انجام زیاد گناهان؛ چنانچه می‌دانیم طی دوصد سال است که غرب فرمان روای دنیاست. این فرمان روایی را روزی که ما به انحطاط و جمود فکری گرفتار و زمین گیر شدیم، در رسالت الهی سستی کردیم و ... از امت اسلامی به چنگ آورد. از همان زمان که غرب زمام حاکمیت را به دست گرفت، فساد در تمام عرصه‌ها و جوانب زندگی شروع شد. نباید آنچه امروزه اروپا به گونه ظاهری از پیشرفت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بدان دست یافته است ما را بفریبد؛ زیرا این تمدن در خود خون خواری مفرط و نژادپرستی شدیدی را مخفیانه حمل می‌کند که به دنبال برتری مرد سفیدپوست است، همان واقعیتی که غرب از فرهنگ‌های قبلی خویش به ارث برده و رویکرد سیاسی و ملی امت غربی را تشکیل می‌دهد. کسی که با هوشیاری مسیر غرب معاصر را دنبال کند، می‌باید که غرب یک جنین مسخ شده‌ی از تمدن‌های گذشته‌ی خود است که برای خلاصی از هر تمدن نزدیک خود تلاش کرده است و گفتگو میان تمدن‌ها را نمی‌پذیرد؛ چنانچه برخی با غفلت از تاریخ غم‌انگیز و واقعیت دورنگ آن ترویجش می‌کنند تمدنی که نفوذ غیر خودش را نمی‌پذیرد و می‌خواهد میدان مطلق قدرت باشد.

بدون شک خواننده‌ی آگاه، تاریخ انحصارگرایی تمدن غربی را از طریق تاریخ درازمدت آن درک می‌کند که در فاصله‌گیری از دیگری به اندازه‌ی که آن دیگری را رقیب سرسخت و دشمن احتمالی می‌بیند، هم‌زیست و دوست نمی‌پندارد. تاریخ و واقعیتی که در آن زندگی می‌کنیم، می‌بینیم که دروغ نمی‌گوید. ده‌ها بلکه صدها بیانیه و جود دارد که از روی دروغ‌های در مورد صلح، آزادی، دموکراسی و ادعاهای پوچ زیاد دیگری پرده برمی‌دارد که ما قسمت اندکی از آن‌ها را بیان می‌کنیم؛ زیرا مقاله گنجایش بیان تمام دروغ‌ها و فسادهای غرب را ندارد. ادعای غرب مبنی بر حقوق زن، محافظت از آن و آنچه از این قبیل است، سر را سفید ساخت و از جمله کسانی که ادعا می‌کردند زن را برای بیرون کشیدن از مملکتی که در آن به گونه‌ی مصون و باعزت زندگی می‌کرد، کمک می‌کنند. در اول کار آموزش زن را برای این که درست بتواند فرزندان خود را تربیت کند، خواستار شدند و گفتند: مادر مدرسه‌ای

است که اگر خوب آموزش داده شود، یک ملت نیکو سرشت آماده می‌شود. زمانی که این کار برایشان انجام شد، زن را از خانه‌اش بیرون کشیدند که نه فرزند نه شوهر و نه خودش از خود توانست نفعی ببرد. زن غربی به حالتی رسید که باید با دشواری ارزش خواسته می‌شد تا به خانه برگردد. برخی از زنان مسلمان نیز با تقلید کورکورانه ارزش پیروی خواهد کرد تا از آنچه در آن گرفتار شده است نجات یابد؛ اما کارزار آینده در مسیر بازگرداندن زن به خانه به‌آسانی کارزار اولش برای بیرون کردنش از خانه نخواهد بود، آن‌هم بعد از این که پدر، شوهر و فرزندش غیرت را ازدست‌داده آن را به خودش واگذار کردند و عادت کردند تا از دسترنجش تغذیه کنند. به‌عنوان مثال وزیر عدلیه بریتانیا (دومینیک راپ) به‌سوی حفاظت زن‌ها، دادن آزادی و حقوق‌شان و به‌سوی بازگشتن اعتماد به نفس‌شان فرامی‌خواند و می‌افزاید: «طی دوازده ماه قبل از مارس 2020 م، 1,6 میلیون زن قربانی بدرفتاری‌های خانوادگی بودند، بیش‌تر از 600 هزار زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند، نزدیک به 900 هزار زن در معرض ظلم قرار گرفتند.» زمانی که از توجه حکومت‌های غربی برای ساکنینشان صحبت می‌کنیم، می‌یابیم تعداد کسانی که از خانه فرار می‌کنند، بر مبنای آنچه حکومت فدرال در قالب بیانیه وزارت مسکن و شهرسازی آمریکا در مورد فراری‌های سالانه آمار می‌دهد، وحشتناک است. هر شب در ایالات‌متحده حدود 553000 فراری به ثبت می‌رسد. همین‌طور ادعای صلح و حفاظت دروغین از حقوق انسان سر را سفید کرده است. هم‌چنین از این قبیل دروغ‌ها در هر جا در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، در ماهواره‌ها، در نشریات و غیره خود را اهل صلح و محبت توصیف می‌کنند؛ اما اگر نظر ساده‌ی به ماقبل بیندازیم، خواهیم دید که اهل این ادعای دروغین چه خسارات دردناکی را در جنگ جهانی اول بار آوردند! تعداد کلی آسیب‌رسیده‌گان و کشته‌شدگان به بیش از 37 میلیون انسان می‌رسد که 16 میلیون کشته و 20 میلیون زخمی می‌رسد آنچه جنگ جهانی اول را خونین‌ترین جنگ بعد از جنگ جهانی دوم در تاریخ بشریت قرار می‌دهد، اما جنگ جهانی دوم خونین‌ترین جنگ در گذر تاریخ بوده است که عدد اجمالی قربانیان آن به بیش از 60 میلیون کشته بوده است که در آن زمان 2.5% کل جمعیت جهان زده‌شده است.

امثال این مفاسد خیلی زیاد بوده، اعم از فساد وضعیت امنیتی، اجتماعی و اقتصادی؛ پس آن آزادی که ادعا می‌کنند کجاست؟! آسایش و امنیت کجاست؟! این‌ها همه تخیلاتی است که از طریق ابزار مطبوعاتی که در اختیارشان است، نشرمی‌کنند؛ اما حقیقت با واقعیت کاملاً متفاوت است. کسانی که به اروپا مهاجرت کردند، از سنگینی معیشت، فساد فراگیر، زیاد بودن مالیات و بسیار چیزهای دیگر صدمه دیدند. بعد از همه‌ی این‌ها آیا چیزی از این تمدن پوشالی باقی‌مانده است که سقوط نکند؟! آیا هنوز کسی هست که به نگهداری این تمدن منحوس بر روی زمین معتقد باشد؟! آنکه پرده‌ی فطرت، اخلاق، عفت و حیاء انسان را دریده و حتی ساده‌ترین اساسات حقوقش را نادیده می‌گیرد.

تاکنون ده‌ها حکم از احکامی صادر کردند که هم‌جنس‌گرایی، قوانین آزادی لجام‌گسیخته و نوشیدن مخدرات را اجازه می‌دهد علاوه بر بداخلاقی و تجاوزهای جنسی بر زنان و اطفال و غیره.

نشانه‌های سقوط این تمدن واضح‌تر از این است که نیازی به تشریح داشته باشد. در ناحیه‌ی غرب کتب و مطالعات زیادی رونما گردیده که عناوین قابل‌توجهی را حمل می‌کنند که از فروپاشی غرب و سقوط و متلاشی شدن تمدنش سخن می‌گویند. برخی از آن‌ها عین عنوان رادارند و برخی دیگر نیز پیرامون همین موضوع ضمن بخش‌های ویژه از قبیل فروپاشی اخلاقی، ارزشی در جوامع غربی، شکست سازمان خانواده، گسترش دامنه‌ی جرم و جنایت با انواع مختلف آن، ناتوانی نظام‌های معاصر از مقابله با امواج

بی‌رحمی و هرج و مرج‌های داخلی، گسترش آتش خودکشی و ناکامی فلسفه‌های معاصر در معالجه روح، روان و افکار نمکینی که بر عقل‌های انسان غربی سایه افکنده است، سخن می‌رانند.

با تمام این ضعف و مرضی که غرب در آن دست‌وپا می‌زند، در مبارزه با تمدن‌های دیگر هنوز ادامه می‌دهد و به ایجاد مبارزات جدید با کشورهای دیگر اقدام می‌کند؛ مانند جنگ میان غرب و روسیه که جنگ نفوذ و منافع مادی است و پیرامون ارزش‌ها نیست و مانند مبارزه غرب با چین که مبارزه‌ی تجاری است نه مبارزه‌ی ارزشی. این در حالی است که چشم از مبارزه میان غرب و اسلام که مبارزه پیرامون ارزش‌ها و روش زندگی است برداشته نمی‌شود. این واضح است که تمدن غربی به تمدن اروپا و امریکا یا غیر آن‌ها در ساختن زندگی پاکیزه و امن برای انسان در روی زمین کاملاً ناکام بوده است. ترس و هراس از شعله‌ی جنگ‌های داخلی و خارجی مردم را فراگرفته است. ناامیدی انسان زیاد و زیادتر می‌شود. هیچ‌یک از وعده‌های که مسئولین اروپا و امریکا کردند، متحقق نشده است. واقعیت مذموم طوری شده که گویا می‌گوید: هرکس که می‌تواند خود را نجات دهد، پس حتماً باید اقدام کند.

بدون شک سرمایه‌داری و رشد وحشتناک آن، دموکراسی و پرچم پرشور آن برای انسان امنیت، آسایش و معالجه‌ی فقر و امراض را به ارمغان نیاوردند. بر علاوه‌ی همه‌ی این‌ها جرم و جنایت را با تمام انواع آن در روی زمین گسترانیده است؛ مانند دزدی، قتل، فحشاء، مخدرات، گسترش ظلم، نبود امنیت، گسترش دشمنی و غارت مردم! فساد در روی زمین نمایان شده و خطرش شدت یافته است. بشریت امروز با خطری جدی روبه‌رو هست که تهدیدش می‌کند، نزدیک است در مقابل آن فلج شود، جز خواهش‌اتش چیز دیگری در توانش نبوده است. چشم‌ها کور و گوش‌ها بسته شده‌اند، گویی کسی در فکر نجات نیست. همه باهم دارند غرق می‌شوند، مگر این که از اکثر گوشه‌های زمین فریاد واحد الله اکبر الله اکبر بلند شود و مردم را بیدار نموده هشدار دهد.

بدون شک وضعیتی کنونی را آنچه اصلاح خواهد کرد که اولش را اصلاح نموده بود، یعنی حکم به اسلام در دولت خلافت راشده که در زیر سایه پرچم عقاب پرچم رسول الله صلی الله علیه وسلم و با طریقه‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم که رسالت اسلام را تبلیغ کرد، میسر می‌شود، نه چیز دیگری. با ایجاد یک کتله‌ای که استوار بر اسلام باشد و با امت تفاعل نموده از اهل قدرت طلب نصرت کند. این کار را همین‌طور ادامه دهد تا الله سبحانه و تعالی حکم اسلام و دولت اسلام را اقامه نماید. این همان کار خوب است و این تنها کاری است که امت را از سقوط نجات می‌دهد. امت از پوستینش بلند شده و به روند سابقش برمی‌گردد؛ اسلام را در داخل تطبیق نموده و آن را در جهان با دعوت و جهاد حمل می‌کند، در نتیجه الله عزیز و حکیم آن را نصرت می‌دهد، چنانچه فرموده است:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ [غافر: ۵۱]

ترجمه: بدون شک پیامبران مان و کسانی را که ایمان آوردند، در زندگانی دنیا و روزی که شاهدان به پا می‌خیزند نصرت می‌دهیم.

ای مسلمانان، بر شما لازم است تا بشریت را از نظام فاسد و متعفن سرمایه‌داری آگاه سازید؛ زیرا شما بهترین امتی هستید که برای مردم بیرون شده و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید! شما با این ویژگی‌تان می‌توانید بشریت را نجات دهید! شما می‌توانید بشریت را به گونه‌ی دسته‌جمعی از عبادت سرمایه‌داری به عبادت الله واحد سوق دهید! از ظلم سرمایه‌داری به عدالت اسلام به کشانید و از تنگنای دنیا به وسعت دنیا و آخرت بیرون کنید!

الهی خواهان نصرتی هستیم که مژده داده‌ای!

برگرفته‌شده از شماره 444 مجله‌ی الوعی

تاریخ: محرم 1445 هـ، ق.

نویسنده: محمود آیاس.

مترجم: حبیب اسلمی.